

Sociological Analysis of the Economic Action of the Poor (The Case Study of the Asylum Seekers of Ilam Province)

Ali Ayar

PhD in Sociology; University of Tehran; Tehran, Iran;

Email: Aliayar_85@yahoo.com

Received: 12, Jul. 2023 Accepted: 14, Aug. 2023

Abstract

Introduction: The policies and actions of the relief institution have undoubtedly been effective in softening the face of poverty and facilitating the lives of the clients; But the issue becomes problematic and problematic where, despite the institutional support and the efforts of the clients, a huge range of clients still remain in the cycle of seeking help and are unable to achieve self-sufficiency. To explain and interpret this situation, the economic action of the clients has been addressed from the approach of economic sociology with the ethnographic method; To present a narrative based on qualitative induction of the above enigmatic situation.

Methodology: For this purpose, the researcher collected information by using the ethnographic research method and using observation, interview, and group discussion techniques based on the research objectives, and then analyzed and interpreted the data using qualitative data analysis techniques such as coding and creating conceptual networks.

Findings: The findings of the research are 81 primary codes or fundamental themes, 23 overarching themes and 8 organizing concepts/ themes. The findings of the research show that the clients are surrounded by various hardships and this fence is intensified by the surrounding society's interpretation of poverty in the dual contradictory form of pity and humiliation, which makes the client lack the necessary courage for economic activism. Although it can solve part of the needs of clients; But it leads to ignoring some of the capabilities, capacities and gaps in seeking help. With the support of the relief organization, the client starts his economic activity in the fight with various savers. Considering their level and scope, these procrastinators lead to the economic action of their position among the clients in the form of a continuum including living, in-place, supplier and entrepreneurial inactivity. The support of the relief organization and the economic action of the beneficiaries in the



Imam Khomeini Relief Foundation
Empowerment and
Deprivation-elimination Journal

<https://pajooresh.emdad.ir>

Vol. 1 | No. 1 | pp. 73-104
Summer 2023



form of the economic action of their situation ends with the consequences of remaining in the poverty trap, on the edge of the poverty trap, and getting out of the poverty trap.

Conclusion: The research proposal is that the relief foundation, by understanding the hardships of seeking help and structural determinants such as market turbulence and political economy, has left the role of a powerful savior and appeared in the role of a partner savior. Also, the exclusionary self-sufficiency policy of the relief institution should be replaced with an inclusive self-sufficiency policy.

Keywords: The Poor, those Seeking Help, Economic Action, Imam Khomeini Relief Foundation, Economic Sociology

تحلیل جامعه‌شناختی کنش اقتصادی فقرا (مورد مطالعه مددجویان استان ایلام)

علی ایار

دکتری جامعه‌شناسی؛ دانشگاه تهران؛ تهران، ایران؛
Aliayar_85@yahoo.com



دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۲۱ | پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳

چکیده

مقدمه: سیاست‌ها و اقدامات نهاد امداد بی‌شک در تلطیف چهره فقر و تسهیل زندگی مددجویان مؤثر بوده است؛ اما موضوع در جایی مشکل‌زا و مسأله‌مند می‌شود که با وجود حمایت‌های نهادی و تلاش مددجویان طیف عظیمی از مددجویان همچنان در چرخه مددجویی باقی‌مانده و قادر به دستیابی به خودکفایی نیستند. برای توضیح و تفسیر این وضعیت از رویکرد جامعه‌شناسی اقتصادی با روش مردم‌نگارانه به کنش اقتصادی مددجویان پرداخته شده است؛ تا روایتی مبتنی بر استقرای کیفی از وضعیت معماگونه فوق، ارائه شود.

روش‌شناسی: به این منظور محقق با استفاده روش تحقیق مردم‌نگاری و به‌کارگیری تکنیک‌های مشاهده، مصاحبه، بحث گروهی بر اساس اهداف پژوهش به گردآوری اطلاعات پرداخته و سپس با استفاده از فنون تحلیل داده کیفی مانند کدگذاری و ایجاد شبکه‌های مفهومی به تحلیل و تفسیر داده‌ها اقدام نمود.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش عبارت‌اند از ۸۱ کد اولیه یا تم بنیادی، ۲۳ تم فراگیر و ۸ مفهوم / تم سازمان‌دهنده. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که مددجویان در حصار مشقت‌های متنوع قرار داشته و این حصار با تفسیر جامعه‌پیرامون از فقر در قالب دو گانه متناقض ترحم و تحقیر تشدید شده که موجب می‌شود مددجو جسارت لازم برای کنشگری اقتصادی نداشته باشد در چنین شرایطی نهاد امداد مانند ناجی مقتدر ظاهر می‌شود اگرچه می‌تواند بخشی از نیازمندی‌های مددجویان برطرف نماید؛ اما موجب نادیده گرفتن برخی از توانمندی‌ها، ظرفیت‌ها و خلأهای مددجویی می‌شود. مددجو با حمایت نهاد امداد کنش اقتصادی خود را در کشاکش با پس‌زنده‌های متنوع شروع می‌کند. این پس‌زنده‌ها با عنایت به سطح و دامنه خود، به کنش اقتصادی موقعیت‌اند در بین مددجویان در

نشریه علمی توانمندسازی و محرومیت‌زدایی
کمیته امداد امام خمینی (ره)
<https://pajooresh.emdad.ir>
دوره ۱ | شماره ۱ | صص ۷۳-۱۰۴
تابستان ۱۴۰۲



قالب پیوستاری شامل نا کنشگری زیست‌مند، در جازنده، تأمین‌کننده و کارآفرینانه منجر می‌شود. حمایت‌گری نهاد امداد و کنش اقتصادی مددجویان در قالب کنش اقتصادی موقعیت‌اند به پیامدی‌ها متنوع‌ماندن در تله فقر، بر لبه تله فقر و خروج از تله فقر ختم می‌شود.

نتیجه‌گیری: پیشنهاد پژوهشی آن است که کمیته امداد با درک حصار مشقت‌های مددجویی و تعیین‌کننده‌های ساختاری مانند تلاطم بازار و اقتصاد سیاسی از نقش ناجی مقتدر خارج‌شده و در نقش ناجی شریک ظاهر‌شده همچنین سیاست خودکفایی‌طرد‌کننده نهاد امداد باید با سیاست خودکفایی‌دربرگیرنده جایگزین شود.

کلیدواژه‌ها: فقرا، مددجویان، کنش اقتصادی، کمیته امداد حضرت امام خمینی (ره)، جامعه‌شناسی اقتصادی

مقدمه

شواهد و آمار نشان می‌دهد که استان ایلام در زمره استان‌های محروم کشور قرار دارد. گستردگی محرومیت، بالا بودن نرخ بیکاری، انهدام مشاغل سنتی و پیامدهای ناشی از جنگ تحمیلی هشت‌ساله، سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ای نامتناسب با زیست‌بوم فرهنگی، اجتماعی با تخریب‌نهادی سنتی موجب تخریب زمینه‌های سنتی اشتغال و رفاه در حوزه مورد مطالعه (استان ایلام) شده است. البته این فقر در دوره معاصر در استان‌های جنوب غرب و غرب کشور از جمله ایلام و بسیاری از نواحی کشور حداقل در از اواخر دوره قاجار مشهود بوده است (ر.ک ایار، ۱۴۰۰). در دوره جدید خاصه با پیروزی انقلاب اسلامی موضوع فقر و اقشار آسیب‌پذیر مورد توجه فعالان سیاسی و ایدئولوگ‌های انقلاب قرار گرفت و خدمت‌رسانی به محرومین و نیازمندان به‌عنوان یکی از اولویت‌های انقلاب به تأسیس نهاد کمیته امداد امام خمینی (ره) منجر شد. اهمیت خدمت‌رسانی به فقرا و نیازمندان برای انقلاب اسلامی در آن حد بود که تنها پس از ۲۲ روز از گذشت انقلاب در چهاردهم اسفندماه ۱۳۵۷ به فرمان حضرت امام خمینی (ره) تأسیس شد. این نهاد با هدف توانمندسازی و شکوفایی استعدادها و تأمین خوداتکایی، تقویت رشد ایمانی و اعتقادی نیازمندان و محرومان کشور تأسیس گردید. به‌منظور کاهش فقر و بهبود شرایط زندگی فقرا، نهاد امداد از بدو تأسیس تاکنون بر آن بوده است تا خدمات متنوعی را به مددجویان ارائه دهد. برخی از این خدمات عبارت‌اند از امور حمایتی محرومین و فقرزایی: این بخش

۱. ماده ۲ اساسنامه کمیته امداد حضرت امام خمینی (ره).



شامل مستمری ماهیانه‌ای است که نهاد به مددجویان معیشت‌بگیر و تبصره ۴۱ ارائه می‌دهد؛ علت دریافت حمایت در بین این مددجویان عبارت است از کارافتادگی سرپرست، برنامه رفع فقر مطلق، بیماری سرپرست، خانواده زندانیان، فوت شوهر، مطلقه. به این منظور در راستای ایجاد امنیت غذایی از مادران باردار و کودکان زیر ۵ سال حمایت به عمل می‌آید که این کمک در برخی از مواد شامل حال کودکان و مادران مستحق غیرتحت پوشش هم می‌شود. در راستای ارتقای سلامت تلاش برای گسترش خدمات بیمه‌ای و تقبل هزینه درمان در محورهای بیمه خدمات درمانی فرانسیز، بیماران صعب‌العلاج و بیماران خاص در دستور کار قرار گرفته است یکی دیگر از محورهای حمایتی نهاد امداد تمرکز بر امور توانمندسازی محرومین بوده است. در این بخش حوزه‌های مختلفی مورد توجه قرار گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: حمایت از دانش‌آموزان، خدمات حقوقی، حمایت از دانشجویان، طرح‌های اشتغال‌زایی، اردوهای زیارتی، اردوهای آموزشی، تأمین مسکن/ساخت/اجاره، آموزش خانواده، قرض‌الحسنه، کمک ازدواج، خدمات مشاوره‌ای. نهاد امداد از جهت دیگر با عنایت به درک اهمیت و کارکرد مقوله سرمایه اجتماعی به اعتمادسازی و جلب مشارکت‌های مردمی شامل دریافت صدقات نقدی و غیرنقدی از مردم و مراکز نیکوکاری، طرح اکرام محسنین، طرح ایتم‌دارای حامی، زکات، طرح‌های مبتنی بر نیاز، درآمدهای انتظامی و کمک‌های مردمی نیز توجه داشته است. علی‌رغم تنوع حمایت‌های این نهاد و تلاش مددجویان شاهد روزافزون شمار مددجویان و گسترش فقر در جامعه ایران به صورت اعم و حوزه مورد مطالعه استان ایلام به صورت خاص هستیم. مسئله اصلی که پژوهش حاضر بر آن تمرکز نموده است عبارت است از این موضوع که چرا علی‌رغم حمایت‌های نهاد امداد، تمایل و تلاش مددجویان برای رهایی از فقر که همچنان شاهد ماندگاری مددجویان در چرخه مددجویی و تله فقر هستیم. به منظور پاسخ دادن به این معما یا وضعیت مسئله‌مند با اتخاذ رویکردی کیفی از روش مردم‌نگاری استفاده شده است.

۱. فرد یا خانوار نیازمندی است که از محل اعتبارات تبصره ۱۴ قانون بودجه کل کشور، مبلغی را به صورت ماهانه به عنوان کمک معیشت به منظور رفع فقر مطلق دریافت می‌کند و از برخی خدمات امداد امام مطابق با ضوابط بهره‌مند است (سالنامه آماری کمیته امداد امام خمینی (ره)، ۱۳۹۸: ۲۸)

طرح مسئله

موضوع فقر و اقتدار آسیب‌پذیر از سال‌ها قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ۵۷ مورد توجه فعالان سیاسی و ایدئولوگ‌های انقلاب بود. خدمت‌رسانی به محرومین و نیازمندان از اولویت‌های انقلاب بود کمیته امداد امام خمینی (ره) با نیل به هدف مذکور شکل گرفت اهمیت خدمت‌رسانی به فقرا و نیازمندان برای انقلاب اسلامی در آن حد بود که تنها پس از ۲۲ روز از گذشت انقلاب در چهاردهم اسفندماه ۱۳۵۷ به فرمان حضرت امام خمینی (ره) تأسیس شد. این نهاد باهدف توانمندسازی و شکوفایی استعدادها و تأمین خوداتکایی، تقویت رشد ایمانی و اعتقادی نیازمندان و محرومان کشور تأسیس گردید.^۱ البته در چند دهه اخیر، کاهش فقر به یکی از موضوعات اولویت‌دار در سیاست توسعه^۲ تبدیل شده است که بسیاری از کشورها خط فقر^۳ را به‌عنوان روشی برای اندازه‌گیری فقر در نظر گرفته‌اند (ام. ای و دیگران، ۲۰۲۱: ۶۶۵). برخی از پژوهش‌ها اثر مثبت فعالیت‌های نهاد امداد بر کاهش نابرابری و ایجاد تقاضای مؤثر را مثبت ارزیابی نموده‌اند (خلیلی، ۱۳۷۹؛ شکور و همکاران، ۱۳۹۵). گستردگی فقر در مناطق محروم کشور نسبت به مناطق مرکزی و مناطق برخوردار کشور از وسعت بیشتری برخوردار است. بنابر آمار و اطلاعات موجود فقر در مناطق محروم کشور از جمله حوزه مورد مطالعه نباید در یک بعد خلاصه نمود؛ آگیلار و سامنر^۴ (۲۰۲۰) دریافتند که ساکنان روستایی تمایل به همپوشانی محرومیت در آموزش و ارزیابی خدمات پایه (آب تمیز، بهداشت، برق و وضعیت مسکن) دارند (و کوانگ فام^۵، ۲۰۲۲: ۲۸۵). با ارائه شواهدی مختصر از وضعیت فقر می‌توان فعالیت‌ها و سیاست‌های حمایتی نهاد امداد را به‌صورت دقیق‌تری فهم نمود. افزایش ضریب جینی در طی سال‌های اخیر و همچنین کاهش سهم چهار دهک پایین جامعه از درآمد جامعه (دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری، ۱۴۰۰). همچنین گزارش‌های پایش فقر وزارت رفاه که نشان می‌دهند خط فقر در سال ۱۳۹۹ نسبت به سال ۱۳۹۸ رشد ۳۸ درصدی داشته است همچنین در فاصله سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ نرخ فقر از ۲۲ درصد به ۳۲ درصد رسیده است

۱. ماده ۲ اساسنامه کمیته امداد حضرت امام خمینی (ره).

2. Development policy
3. poverty line
4. Aguilar and Sumner
5. Quang Pham and and Mukhopadhaya



یعنی این که در سال ۱۳۹۸، ۳۲ درصد جمعیت معادل با ۲۶/۵ میلیون نفر زیر خط فقر قرار گرفته‌اند (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۴۰۰: ۱-۳۰). همچنین بنابر آمارها موجود در سال ۱۳۹۹ نرخ محرومیت در ایلام ۳۲٪ و بالاتر از میانگین کشوری است (همان: ۳۵). در چنین شرایطی آسیب‌پذیر بودن روستائیان، مددجویان نهادهای حمایتی از جمله مددجویان کمیته امداد دور از ذهن نیست. گزارش بانک جهانی (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که فقرای روستایی، هم در مقیاس‌های پولی و هم از لحاظ معیارهای فقر چند بعدی، اکثر آزن، فاقد تحصیلات یا سطح پایین و خانواده پرجمعیت با تعداد فرزندان بالا هستند (و کوانگ فام، ۲۰۲۲: ۲۸۵). فقدان دسترسی اقشار آسیب‌پذیر (زنان، روستائیان، افراد بیکار، زنان سرپرست خانوار) به منابع آن‌ها را مستعد فقیرتر شدن خواهد کرد. فقر معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که یک فرد در غل و زنجیر کمبود منابع قرار می‌گیرد (ام. ای و دیگران، ۲۰۲۱: ۶۶۵). «بر اساس معیارهای دهک‌بندی خانوارها، ۹,۳ میلیون خانوار فقیر شناسایی شده‌اند که ۲,۸ میلیون خانوار معادل ۳۰ درصد کل خانوارهای فقیر تحت پوشش نهادهای حمایتی هستند و ۶,۶ میلیون خانوار معادل ۷۰ درصد کل خانوارهای فقیر فاقد پوشش حمایتی محسوب می‌شوند و باید به‌عنوان اولویت در طرح پوشش بیمه همگانی، حمایت از کودکان دارای سوء تغذیه، طرح اشتغال عمومی و حمایت نقدی و اعتباری قرار گیرند» سایت خبری الف، (۱۴۰۱). مقایسه آمار سال در دو دهه اخیر نشان می‌دهد در طی سالیان اخیر شاهد افزایش فقرا و در نتیجه شمار مددجویان کشور بوده‌ایم، این آمار از ۹۸۵۶۰۷ خانوار در سال ۱۳۸۵ به ۱۵۳۹۷۵۶ خانوار در سال ۱۳۹۸ رسیده است. (سالنامه آماری کمیته امداد امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۸). این در شرایطی است که نهاد امداد با به‌کارگیری تمام ظرفیت خود توانسته رقم فوق از خانواده‌های نیازمند را پوشش دهد که ۶/۶ میلیون خانوار دیگر یعنی رقمی ۴ برابر خانوارهای تحت پوشش فعلی کمیته امداد به‌دلیل وضعیت متغیرهای کلان اقتصادی و سقوط آن‌ها به رده فقر مستحق دریافت خدمات و کمک نهادهای حمایتی شده‌اند؛ بنابراین موضوع فقرزدایی و نهاد کمیته امداد و سیاست‌های معیشتی و خودکفایی این نهاد در وضعیت پیچیده‌ای قرار گرفته است. وضعیتی که در آن ورودهای، متقاضیان ورود به چرخه مددجویی با سرعت بسیار زیادی افزایش یافته و از جهت دیگر خروجی‌ها

1. multidimension poverty

2. Quang Pham and and Mukhopadhaya

از چرخه مددجویی به دلیل مشخصات زمینه‌ای مددجویان و متغیرهای کلان اقتصادی به سختی صورت می‌گیرد. پس از بیان وضعیت پیچیده و دشواری که نهاد امداد با آن دست و پنجه نرم می‌کند، لازم است توضیح داده شود که چه نسبتی بین سیاست‌های حمایتی این نهاد و خود کفایی مددجویان وجود دارد؛ بنابراین با تمرکز برکنش اقتصادی مددجویان در صدد فهم و تفسیر این پیوند متقابل هستیم. هم سیاست‌ها و اقدامات حمایتی نهاد امداد و هم تلاش مددجویان برای خروج از چرخه فقر در بستر بزرگ‌تر و کلان‌تر جامعه رخ می‌دهد به عبارتی با یک نگاه تلفیقی عاملیت- ساختار بایستی هم بر مددجویان به مثابه کنشگران فعال توجه داشت و هم به ساختارهای کلانی که آن‌ها را متأثر می‌کند البته این ساختار طیف وسیعی از موضوعات و پدیده‌های اقتصادی و پدیده‌های مرتبط با اقتصاد از جمله سیاست‌های خود کفایی نهاد امداد، شمار مددجویان، سیاست‌های کلان اقتصادی، مسیر تاریخی اجتماع محلی را شامل می‌شود. اگرچه در مواجهه با فقر نخستین حس غریزی ما بخشندگی است (بنرجی و دوفلو، ۱۳۹۶: ۳۹) اما نهاد امداد ضمن توجه به این حس انسان‌دوستانه رسالت «توانمندسازی»^۱ را محور کار خویش قرار داده است. یکی از مهم‌ترین وظایفی که به سازمان‌های حمایتی واگذار شده است، موضوع توانمندسازی است که در ماده ۱۰۲ و ۱۱۲ قانون اساسی مستقیماً و در مواد ۹۷، ۹۵، ۹۶، ۹۷ اشاره شده است. بنا بر مفاد اساسنامه این نهاد طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها و خدمات با محوریت توانمندسازی در دستور کار این نهاد قرار دارد. از وام خود کفایی، طرح‌های آموزشی تا طرح‌های خود کفایی، استعداد سنجی شغلی، کارگاه خود کفایی، کارپایی، توانمندسازی، طرح کارانگیزی، طرح توان‌افزایی، طرح احداث، خرید و تعمیرات ساختمان، هدیه ازدواج، حامی یتیم، فرزندان محسنین، میز خدمت حقوقی و ... (سالنامه آماری کمیته امداد امام خمینی (ره)، ۱۳۹۸: ۲۷-۳۳). حجم فعالیت‌های این نهاد و دامنه گسترده فعالیت‌های این از جهت دیگر پوشش ۱۵۳۹۷۵۶ خانوار معادل با جمعیت ۲۸۰۳۰۴۷ نفر بیانگر وسعت و حجم فعالیت‌های این نهاد است. در سال‌های اخیر، گفتمان مسلط در کمیته امداد امام خمینی (ره) به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد حمایتی کشور، گفتمان توانمندسازی است. از دیدگاه این نهاد، توانمندسازی، فرایند شناسایی استعدادها، بالقوه مددجویان، شکوفایی و ارتقاء این استعدادها، ظرفیت‌ها و توانایی‌ها با به کار گرفتن سازوکارهای تشویقی، ترغیبی و ترویجی برای انتخاب مسیری جدید در زندگی و قرار گرفتن در چرخه تولید و کسب و کار غایت‌نگر



و ثمربخش است که نتیجه نهایی آن، خروج آنان از چرخه فقر و رسیدن به خودکفایی و پیوستن به جریان اصلی زندگی است (عسگری، ۱۳۹۲). اجرای طرح‌های خودکفایی، حمایتی و توانمندساز کمیته امداد بدون شک در تلطیف چهره فقر و قابل تحمل نمودن شرایط زندگی برای فقرا، مؤثر بوده است اما باید ملاحظه نمود مواجه مددجویان با اقدامات حمایتی، توانمندساز ارائه شده از جانب نهاد امداد چگونه درک و تفسیر می‌شود. این حمایت‌های متنوع چگونه در پیوند با کنش اقتصادی مددجویان به شکل‌گیری نوع خاصی از کنش اقتصادی منجر می‌شود. کنش اقتصادی فقرا و مددجویان از حکم‌شدگی مضاعف برخوردار است، هرگونه تحرک و فعالیت مددجویان از جانب نگاه جامعه مورد تحلیل و تعریف قرار می‌گیرد، این نگاه از برجسب نوکیسگی، عدم استحقاق عنوان مددجو و عدم تثبیت و تأیید مطلق در نوسان است. همین وضعیت نیز می‌تواند کنش اقتصادی مددجویان را متأثر بکند. با توجه به این که فعالیت‌ها و کنش‌های اقتصادی در بستری فرهنگی و اجتماعی صورت می‌پذیرد، سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی مددجویان، مواجهه آنان با تغییرات و تحولات اقتصاد سیاسی نیز می‌تواند از جمله عوامل مؤثر بر مددجویان به سمت مشاغل خاص و شیوه‌های منحصر به فرد از کنش اقتصادی بشود؛ که همنوایی بیشتری با ارزش‌ها و هنجارهای آن‌ها دارند، باشند.

برای دریافت فهمی از وضعیت توانایی و عدم توانایی خروج مددجویان از چرخه فقر از سو و درک و تفسیر حمایت‌های نهاد امداد به منظور رهایی مددجویان از تله فقر نیاز است که کنش اقتصادی مددجویان را به مثابه یک پدیده چند وجهی مورد تحلیل قرار داد. در تحقیق حاضر سعی بر آن شده است که با رویکردی مردم‌نگارانه به مختصات کنش اقتصادی مددجویان و تفسیر مددجویان از سیاست‌ها و حمایت‌های خودکفایی امداد پرداخته شود. مددجویان به عنوان قشری از جامعه که در سیاست‌گذاری‌های توانمندسازی و فقرزدایی در کانون توجه قرار می‌گیرند؛ علی‌رغم دریافت حمایت‌های مختلف از نهاد کمیته امداد امام خمینی (ره)، همچنان با مصیبت فقر مواجه هستند. روز به روز «فقر» بیشتری تجربه می‌کنند. اگرچه رویکردهای نوسازی توسعه با اتخاذ رویکرد «سرزنش کردن قربانی»، فقرا را مسبب اصلی فقرشان می‌داند، اما نگارش اصلی مطالعه حاضر بر خلاف رویکردهای نوسازی و رویکردهای متأثر از نئولیبرالیسم، معتقد است که فقرا، با وجود اهمیت دادن به ارزش‌های مانند کار، سخت‌کوشی، نوآوری و حمایت‌های ساختارمند نهاد امداد، همچنان «فقیر» مانده‌اند؛ بنابراین موضوع را باید درجایی دگر یعنی مدل «کنش

اقتصادی فقرا» جستجو نمود. از این رو باید ملاحظه نمود که درهم تنیدگی سیاست‌های حمایتی، خودکفایی امداد با عبور و ماندن در چرخه فقر و مددجویی چه نسبتی دارد؟ بعد مسئله گون و مناقشه‌برانگیز این پژوهش هم‌جواری پارادوکس گونه دریافت کمک‌های حمایتی از نهاده‌ای حمایتی مانند کمیته امداد امام (ره)، «تلاش مددجویان» و «فقر» است؛ که فهم آن نیاز به اتخاذ رویکردی امیک-نگاه از درون-به مسئله مذکور دارد. تلاش پژوهش حاضر بر آن بود که ضمن توصیفی از گونه‌های کنش اقتصادی، معنای این گونه کنش‌ها، توضیح دهد که چرا کنش اقتصادی فقرا با وجود حمایت نهادها کمیته امداد به رهایی از چنگال فقر منجر نمی‌شود. چرا این حجم از حمایت و تلاش در چهار دهه اخیر، بنا به شواهد موجود نتوانست به مدلی از کنش اقتصادی موفق به آن صورت که در بین اقشار متوسط و مرفه جامعه هستیم منجر شود؟ چرا دغدغه‌های متولیان فقرزدایی محرومیت‌زدایی در قریب به نیم قرن نتوانسته فراتر از تأمین حداقل‌ها فراتر برود و دامنه فقر حداقل به کمترین میزان خود برساند؟ اما سؤال اینجاست که چرا گروهی از مردم-فقرا-جامعه در بیش از چهار دهه پس از انقلاب همچنان با وجود زحمات طاقت‌فرسای امدادگران و خود فقرا همچنان فقر را تجربه می‌کنند؟ آیا این فقر را باید در ارتباط فرهنگ و مؤلفه‌های مانند قومیت، جغرافیا تبیین نمود؟ آیا باید آن را به فقدان ارزش‌های توسعه‌ای مانند فقدان و یا ضعف فرهنگ کار در بین «فقرا» نسبت داد؟ آیا در چنین شرایطی به تعبیر چمبرز^۱ به زبان متخصصان بیگانه این فقر را ناشی انعکاس فقدان تقوا و پرهیزگاری فقرا بدانیم (چمبرز، ۱۳۹۶: ۲۱). بنابراین برای دستیابی به روایتی از فقر مددجویان و سیاست‌های حمایتی نهاد امداد در بین «مددجویان» باید به فهمی مردم‌نگارانه دست یافت. چرا حمایت‌های نهاد کمیته امداد و از طرف دیگر زهد، ریاضت و کوشندگی خود فقرا از سویی دیگر نتوانسته است به انباشت ثروت و خروج از چرخه فقر منجر شود. تجارب زیسته نگارنده در حال حاضر نشان می‌دهد که هم‌زمان «حمایت نهاد امداد»، «تلاشگری» و «دغدغه رهایی از فقر» در بین مددجویان و فقرای ایلامی وجود دارد اما از جهت دیگر فقر هم همچنان وجود دارد. ما باید برگردیم به سرزمین پدری مان (فرهادی، ۱۳۹۷: ۴۷) و با فهم تاریخ و جغرافیا و جامعه و فرهنگ خودمان قادر به تشخیص مسائل واقعی خویش باشیم (همان: ۶۹). به نظر می‌رسد این وضعیت پارادوکس گونه «حمایت» و «فقر» از جمله

1. Chambers



مسائل واقعی جامعه ایرانی در سطح برخی اجتماعات محلی از جمله در استان ایلام باشد؛ بنابراین انگارش اصلی تحقیق حاضر پذیرش وجود هم‌زمان «حمایت‌های امداد»، «کنش اقتصادی» مددجویان در حوزه مورد مطالعه است؛ بنابراین در مطالعه کنش اقتصادی، تلاش بر آن است تا این کنش‌ها در قالب مجموعه‌های گسترده‌تر اجتماعی مطالعه شوند (زافیروفسکی، ۱۹۹۹: ۵۸۵). به‌عبارت دیگر با عنایت به موضوع «حک‌شدگی»^۱ مورد تحلیل قرار گیرند. تا نشان داده شود که چطوری فقر و درآمد پایین با وجود میراثی از سرمایه فرهنگی نمی‌تواند مانع تحرک بشود (جین واکر^۲، ۲۰۱۴: ۴) و از جهت دیگر در برخی از موارد چگونه فقر به مثابه فضای فرهنگی عمل می‌کند (دمتری و دیگران، ۲۰۱۳). شاید یکی از این حفره‌های ساختاری در جامعه‌شناسی اقتصادی (سوئدبرگ، ۱۳۹۵: ۹۵-۴۶۷) را بتوان فهم «همجواری سیاست‌گذاری‌های فقرزدایی، حمایت‌های امدادی، کنش‌های اقتصادی و پدیده «فقر» دانست؛ اما مسئله چیست؟ بنابراین مسئله عبارت است از حضور هم‌زمان مدل‌هایی حمایت امدادی، کنش‌گری، فقر و پایین بودن سطح رفاه. این معما را بایستی به‌گونه‌ای امیک- نگاه از درون- کاوید تا مشخص شود آیا فقرای ایلامی، دارای مدلی خاص از کنش اقتصادی هستند؟ کنش اقتصادی فقرای ایلامی چه مختصات و ویژگی‌هایی دارد؟ آیا می‌توان از چند مدل و نوع کنش اقتصادی در بین فقرای ایلامی بحث نمود؟ چرا مدل کنش اقتصادی مددجویان ایلامی در پیوند با حمایت‌های امدادی، به حل معضل فقر و بیکاری منجر نشده است؟ تلاش بر آن است تا نشان داده شود که حمایت‌های امداد همسو با توانمندسازی مددجویان، چگونه از جانب جامعه هدف درک و تفسیر شده و سپس با ترکیب و تعامل با مدل‌های کنش اقتصادی مددجویان در بین فقرای ایلامی به چه صورت بوده است و تحت کدام مکانیسم، حمایت‌ها امدادی و کنش اقتصادی مددجویان به نتیجه متناقض نمای «فقر» منجر می‌شود.

اهداف پژوهش

هدف اصلی

- ◇ فهم و تفسیر معضله هم‌جواری توأمان حمایت‌های و سیاست‌های فقرزدایی نهاد امداد و کوشندگی و عدم خروج مددجویان استان ایلام از چرخه فقر.

1. Embeddedness

2. Jean Walker

اهداف فرعی

- ◇ بر ساخت روایت مددجویان استان ایلام از وضعیت مددجویی خود با عنایت به تجربه زیسته مددجویی؛
- ◇ تفسیر مفهوم‌سازی روایت جامعه از مددجو و مددجویان در استان ایلام؛ به عبارتی دیگر دستیابی به چگونگی درک و تفسیر مددجویی در حوزه مورد مطالعه؛
- ◇ مشخص نمودن درک و تفسیر مددجویان استان ایلام از حمایت‌های اشتغال‌زایی و طرح‌های توانمندسازی- با عنایت به زمینه اجتماعی فرهنگی، اقتصادی- ارائه شده توسط کمیته امداد امام خمینی (ره)؛
- ◇ ارائه روایتی از مواجهه مددجویان با حمایت‌های نهادی و طرح‌های توانمندسازی به عبارتی دیگر تفسیر و ارائه روایتی از مدرن‌سازی شکل‌های کنش اقتصادی مددجویان؛
- ◇ ارائه تفسیری از محدودیت‌های درونی و بیرونی شکل گرفته مرتبط با کنش اقتصادی مددجویان استان ایلام و تناسب این وضعیت با شکل خاصی از فقر و رفاه؛
- ◇ ارائه روایتی از مدل‌های کنش اقتصادی در بین مددجویان استان ایلام و تشریح ویژگی‌های این گونه‌های کنش.

پرسش‌های پژوهش

سؤال اصلی

- ◇ از معضله هم‌جواری توأمان حمایت‌های و سیاست‌های فقرزدایانه نهاد امداد و کوشندگی مددجویان و عدم خروج مددجویان استان ایلام از چرخه فقر چه تفسیری می‌توان ارائه داد؟

سؤالات فرعی

- ◇ مددجویان استان ایلام چه روایتی از وضعیت خود ارائه می‌دهند؟
- ◇ جامعه چه روایتی از مددجو و مددجویان استان ایلام دارد؟ به عبارتی دیگر مددجویی در حوزه مورد مطالعه چگونه درک و تفسیر می‌شود؟
- ◇ حمایت‌های اشتغال‌زایی و طرح‌های توانمندسازی- با عنایت به زمینه اجتماعی فرهنگی، اقتصادی- ارائه شده توسط کمیته امداد امام خمینی (ره) از جانب مددجویان



- ◇ استان ایلام چگونه درک و تفسیر می‌شود؟
- ◇ مواجهه مددجویان استان ایلام با حمایت‌های نهادی و طرح‌های توانمندسازی به عبارتی دیگر تفسیر و ارائه روایتی از مدرن‌سازی شکل‌های کنش اقتصادی مددجویان به چه صورت است؟
- ◇ کنش اقتصادی مددجویان استان ایلام متأثر از کدام محدودیت‌های درونی و بیرونی شکل گرفته و در نهایت چه مدلی از کنش اقتصادی در ارتباط با وضعیت خاصی از فقر و رفاه شکل می‌گیرد؟
- ◇ از مدل‌های کنش اقتصادی در بین مددجویان استان ایلام و تشریح ویژگی‌های این گونه کنش چه روایتی می‌توان ارائه داد؟

روش‌شناسی

روش اجرای تحقیق

این مطالعه از نوع پژوهش‌های کیفی است که با اتخاذ رویکرد امیک (نگاه از درون) در صدد فهم و ارائه روایتی تفسیری کنش اقتصادی مددجویان کمیته امداد حضرت امام خمینی (ره) در استان ایلام است. شناسایی و فهم مشخصات کنش اقتصادی مددجویان، نیازمند بررسی و توصیف زندگی در طبیعی‌ترین شکل خود است یکی از این روش‌های تحقیق کیفی، مردم‌نگاری^۱ است؛ مردم‌نگاری قابلیت‌های فراوانی دارد که بهتر می‌تواند از عهده هم‌زمان توصیف و تحلیل پدیده‌های پیچیده و چند بعدی برآید. این روش عمده رشته انسان‌شناسی بوده ولی امروز از این روش در قالب مردم‌نگاری صوری^۲ (برگ، ۲۰۰۶) در رشته‌ها و حوزه‌های گوناگون برای بررسی مشکلات و مسائل دنیای مدرن استفاده می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۲: ۲۱۱). در این مطالعه، از روش مردم‌نگاری به‌منظور ارائه تفسیری از کنش اقتصادی مددجویان و سیاست‌های حمایتی و خودکفایی نهاد امداد استفاده شده است.

جامعه آماری و حجم نمونه

مددجویان کمیته امداد حضرت امام خمینی (ره) استان ایلام که بنابر آمار سال ۱۳۹۸ در استان ایلام برابر با ۷۸۷۱۱ نفر بوده‌اند.

1. Ethnography
2. Formal Ethnography

حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

در کارهای کیفی حجم نمونه منوط به نیل به اشباع نظری است. از آنجا که در مردم‌نگاری از کنش، اسناد، و ... در مطالعه استفاده می‌شود به این منظور برای نیل به اشباع نظری تا از تکنیک‌های چندگانه مشاهده و مصاحبه استفاده شده است. به این منظور ۵۰ مصاحبه فردی و گروهی به عمل آمده است. شیوه‌ای که می‌تواند چنین نمونه‌گیری را تسهیل کند، نمونه‌گیری هدفمند است. نمونه‌گیری هدفمند به جای تعمیم نتایج نمونه به جامعه‌ای بزرگ‌تر، تلاش در درک مورد‌های مهم دارد (پاتن، ۱۹۹۹: ۱۱۹۷). مردم‌نگار می‌تواند از مکان‌ها، زمان‌ها و به‌طور کلی از همه جزئیات میدان مطالعه به‌صورت هدفمند و بر اساس معیارهای موردنظر خود نمونه‌گیری کند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۲۳۹). در این تحقیق هم همین شیوه نمونه‌گیری مدنظر بود؛ یعنی مصاحبه‌ها با افرادی انجام شده است که تمایل به مصاحبه داشته و قادر بودند تا درباره رفتارهایشان بحث کنند. معیارهای اولیه‌ای وجود دارد که نمونه‌گیری باید آن‌ها را تأمین کند. حجم نمونه را در نمونه‌گیری‌های کیفی اشباع نظری مشخص می‌کند؛ به این معنی که وقتی که محقق در یابد که پاسخ‌های داده‌شده، مصاحبه‌های انجام‌شده منجر به پاسخ‌های تکراری می‌شوند و داده جدیدی در آن‌ها وجود ندارد؛ مصاحبه‌ها و مشاهدات خود را کافی می‌داند (محمدپور، ۱۳۹۰: ۲۳۹) و به عبارتی به اشباع نظری^۱ دست یافته است. برای دسترسی به نمونه از روش‌های نمونه‌گیری تأییدی و غیرتأییدی و همچنین نمونه‌گیری فرصت‌گرا یا ظهوریابنده^۲ استفاده شده است. در نمونه‌گیری تأییدی و غیرتأییدی، نگارنده، ابتدا، با گردآوری شواهد و داده‌ها الگوها را شناسایی نموده و سپس موارد تأییدی، یعنی مواردی که با الگوهای ظهوریافته منطبق بوده و به آن‌ها عمق، غنا و باورپذیری بیشتری می‌بخشند، دست یافته است؛ در گام بعدی به دنبال مواردی برآمده است که ناقض این الگوها و مقوله‌ها باشند، چنانچه شواهد و یافته‌ها، در این مرحله، الگوهای ظهور یافته قبلی تأیید نمایند، دال بر ارزشمندی و اعتبار آن‌ها تلقی می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۲: ۴۳)؛ و در نمونه‌گیری فرصت‌گرا و یا ظهوریابنده به دنبال آن بوده‌ایم که از فرصت‌های پیش‌بینی نشده و موقعیتی، به‌منظور گسترش دامنه نمونه‌گیری و ارزیابی موارد تأییدی استفاده کنیم. در نهایت در دو نوع نمونه‌گیری هدفمند

1. Theoretical Saturation

2. Opportunistic & Emergent Sampling



و نظری به صورت هم‌زمان استفاده خواهد شد؛ از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مورد مصاحبه و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد، تعیین محل داده‌های مورد نیاز و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود (گلاسه، ۱۹۷۸ به نقل از احمدپور، ۱۳۹۲: ۲۹۲). نمونه‌گیری در پژوهش حاضر ترکیبی - کیفی بوده که بنا به منطبق پژوهش و فرایند تحقیق از افراد، موقعیت‌ها و مکان‌ها و ... مورد مطالعه قرار گرفته است.

روش گردآوری داده‌ها

در پژوهش حاضر محقق به مثابه مردم‌نگار نهایت تلاش خود می‌کند به منظور جمع‌آوری داده‌ها و ارائه توصیفی ضخیم از روش‌های مختلف گردآوری اطلاعات کیفی استفاده کند؛ بنابراین برای گردآوری اطلاعات از مشاهده، مشاهده مشارکتی، گفتگوهای غیررسمی، مصاحبه‌های رسمی، غیررسمی و اسناد متعددی چون فیلم، عکس، اسناد موجود در شبکه‌های اجتماعی و یادداشت‌های میدانی استفاده شده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از گردآوری داده‌ها محقق داده‌ها یا اطلاعاتی را که جمع‌آوری نموده است، باید به دنبال آن باشد که تم‌های کلیدی را شناسایی کند، این تم‌های کلیدی در روایت‌ها، عبارت‌ها، نمادها یا ایده‌هایی ظاهر می‌شوند که چندین بار در داده‌ها تکرار می‌شوند (مورچیسون، ۲۰۱۰: ۱۱۶). در این پژوهش از تحلیل تماتیک برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌شود؛ تم‌ها جنبه‌های کلیدی در تحلیل کیفی محسوب می‌شوند، این اصطلاح به فرایندی اشاره دارد که از طریق آن داده‌های کیفی بر اساس شباهت روابط و تمایزات به تحلیل داده‌های کیفی پرداخته می‌شود (گیسون و براون، ۲۰۰۹: ۱۲۷). به این منظور برای تبدیل متن (نوشتاری، تصویری و ...) به داده از فرایند کدگذاری سه سطحی کدگذاری اولیه، خانواده کد یا سطح دوم و کد برتر استفاده خواهد شد (گیسون و براون، ۲۰۰۹: ۱۳۱). در سطح دوم سعی بر آن است که از تکنیک‌های چون تحلیل رویداد، تاکسونومی، نمایش فرایندها و تعاملات استفاده شده است. در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی از تکنیک تحلیل شبکه مفهومی استفاده شده است. شبکه مفهومی روشی برای سازمان‌دهی تحلیل مفهومی داده‌های کیفی است این روش به دنبال استخراج تم‌های برجسته در یک متن، در سطوح متفاوت است و شبکه‌های مفهومی به دنبال ساختار بندی و ترسیم این تم‌ها هستند، این فرایند به استخراج تم‌ها از داده‌های متنی (متن مصاحبه‌ها،

یادداشت‌های مشاهده‌ای، موقعیتی، گفت‌وگوهای شفاف‌ساز و ... و غیرمتنی (عکس و فیلم) و ترسیم این تم‌ها با ابزار بازنمایانه است که در پژوهش‌های کیفی است.

کیفیت تحقیق (اعتبارپذیری و قابلیت تصدیق پژوهش)

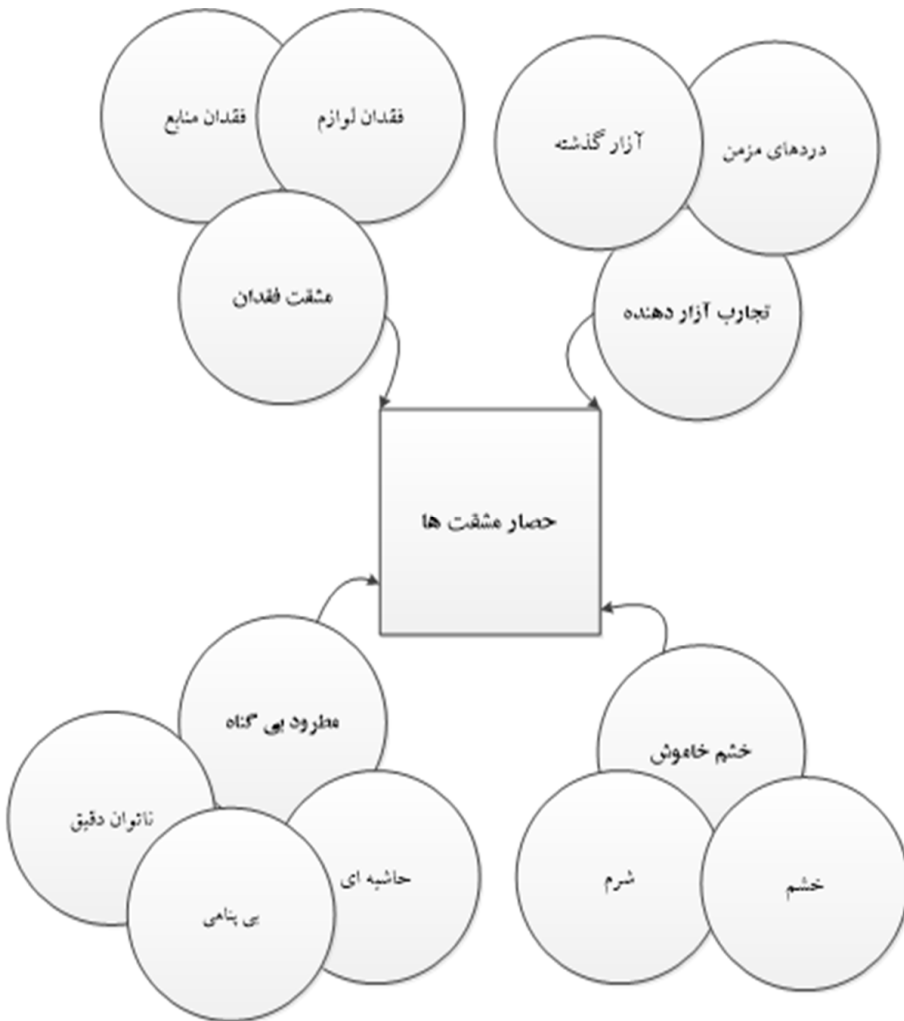
در تحقیقات کیفی از معیارها و اصول متفاوتی نسبت به تحقیقات کمی برای ارزیابی و تعمیم نتایج استفاده می‌شود. روایی کیفی «به میزانی از سازگاری اطلاق می‌شود که در آن مشاهده‌گران متفاوت یا یک مشاهده‌گر مواردی را به یک مقوله مشابه در مناسبت و موقعیت‌های متفاوت الصاق می‌کند» (هامرسلی، ۱۹۹۲: ۶۷ به نقل از محمدپور، ۱۳۹۲: ۱۸۲). به این منظور در جریان گردآوری اطلاعات برخی از گزاره‌های مستخرج از متن مصاحبه در اختیار متخصصان قرار گرفت تا نامی بر الصاق نموده و یا آن را طبقه‌بندی نمایند؛ و همچنین به منظور برآورد اعتبار از راهبرد بازخورد مشارکت‌کننده استفاده شد به این معنی که نتایج حاصل‌شده توسط محقق با مشارکت‌کننده در تحقیق به بحث گذاشته می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۲: ۲۰۰). برای دستیابی به اعتبار در مردم‌نگاری حاضر از شیوه‌های مختلف به شرح زیر استفاده خواهد شد: الف- باورپذیری: که به حضور طولانی‌مدت محقق در میدان و مشاهده موارد، مربوط می‌شود. ب- چندبعدی کردن روش و داده‌ها: به این منظور به استفاده هم‌زمان از روش و داده‌های متنوع استفاده خواهد شد، محقق تلاش کرده است تا از ابزار، داده‌ها، تکنیک‌ها مختلفی را هم در جمع‌آوری و هم در تحلیل داده و تفسیر داده‌ها به کار ببرد و این امر می‌تواند اعتبار گزارش حاضر را ارتقاء دهد؛ ج- کنترل توسط اعضا: به معنی چک کردن تفسیرها از طریق در میان گذاشتن با نمونه‌های مورد مطالعه است و د- اطمینان‌پذیری: به اهمیت یادداشت‌ها و توضیح روشن و شفاف فرایند کار مربوط می‌شود؛ این که نشان داده شود یافته‌ها متکی بر داده‌ها هستند (فلیک، ۱۳۸۷: ۲۱-۴۲). در پژوهش حاضر اعتبار تحقیق از طریق استراتژی‌های متفاوت اعتباربخشی استفاده شده است که عبارت‌اند از: مشارکت طولانی و مشاهده مداوم در میدان تحقیق یا همان باورپذیری، تأیید مشارکت‌کنندگان یا کنترل توسط اعضا، توصیف غنی. معیار اعتبارپذیری در واقع مربوط به همخوانی میان واقعیت‌های مورد نظر شرکت‌کنندگان و واقعیت‌های ارائه شده توسط پژوهشگر که همان تم‌ها و مفاهیم هستند می‌باشد. به این معنی که آیا واقعیت‌هایی که در ذهن شرکت‌کنندگان پژوهش وجود دارد و آنچه که در پژوهش از طرف آن‌ها مطرح شده است، سازگاری وجود دارد مشارکت طولانی‌مدت محقق در میدان مورد مطالعه موجب عینی‌شدن و باورپذیری یافته‌های تحقیق



شده است. از جهت دیگر پس از کدگذاری و بر ساخت شبکه‌های مفهومی یافته‌های پژوهش با جامعه هدف به اشتراک گذاشته شد و پس از توضیح آن به زبان ساده متناسب با فهم مخاطب چنانچه از نظر آنان برداشت و روایت محقق توصیف‌کننده شرایط مورد نظر باشد می‌توان به روایت برساخته از استقرای کیفی محقق اعتماد نمود. به این منظور، تم‌های سازمان‌دهنده پژوهش با جامعه هدف به اشتراک گذاشته شد و پس از تأیید نهایی شده‌اند. تلاش شده است که به اشتراک‌گذاری به دور از روابط تحمیلی، روابط قدرت و در قالب روابط غیررسمی به دست آید. همچنین از روش مثلث‌بندی به منظور اعتباریابی هم استفاده شد تلاش شده است تا از روش‌های مختلف و مشاهده گران برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. قابلیت تصدیق این پژوهش از طریق تماس طولانی محقق با محیط پژوهش، مشاهده مستمر، بررسی از زوایای مختلف، تبادل نظر با هم‌تایان، تحلیل موارد منفی، کفایت مراجع و کنترل از سوی اعضاء محقق خواهد گشت. از جهت دیگر به منظور نیل به قابلیت انتقال تحقیق به زمینه‌ها و محیط‌های دیگر، ضمن طراحی مفصل‌بندی مفهومی و ارجاع و مقارنه یافته‌های تحقیق با تحقیقات پیشین، مباحث نظری و مفهومی قابلیت انتقال این پژوهش محقق شده است.

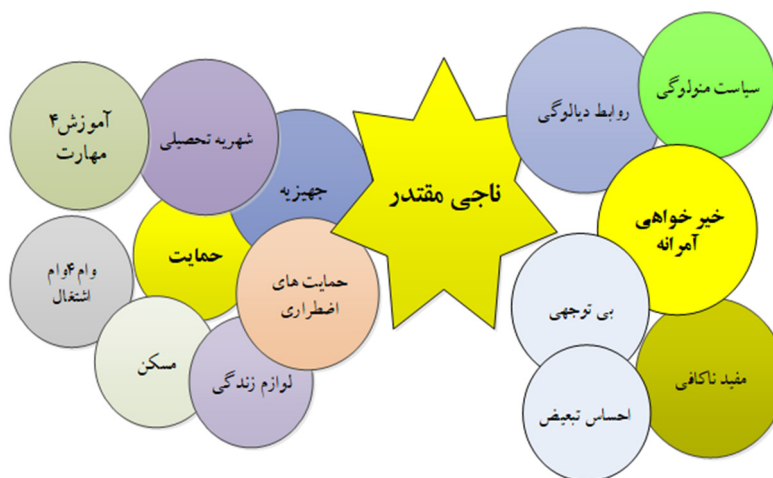
یافته‌های پژوهش

در شبکه مفهومی حصار مشقت‌ها، مددجویان به‌عنوان جامعه هدف، دارای ویژگی‌هایی هستند که این ویژگی‌ها می‌توانند بر کنش اقتصادی آن‌ها تأثیرگذار باشد. خط سیر یک خانواده مهم است؛ گذشته فرد حال وی را شکل داده و حال وی آبرستن آینده است. همچنین زیرساخت‌ها لازمه یک زندگی حداقلی هستند. مانند زیرساخت برای راه‌اندازی شغل و همچنین بهره‌مندی از تجهیزات و لوازم خانوادگی برای زندگی. بیشتر مددجویان از خانواده‌های فقیر برآمده‌اند. غالب مددجویان مرد از دردهای ناحیه کمر، ستون فقران، گردن و ... رنج می‌برند. مفهوم سنتی فقر تنها قادر به پوشش ابعاد مادی زندگی مددجویان است، اما واقعیت آن است که مددجویان از فقر ریشه‌ای تری در رنج هستند. آن‌ها در آستانه شبکه خویشاوندی و اجتماع محلی هستند. در نگاه به آن‌ها، نگاه طردآمیز وجود ندارد اما در مقابل آن‌ها به دلیل تجربه سال‌ها فقر و خزیدن به درون خود و زندگی خود، از شبکه‌های اجتماعی، مشارکت خودجوش و واقعی در حیات اجتماعی و سیاسی محروم هستند.



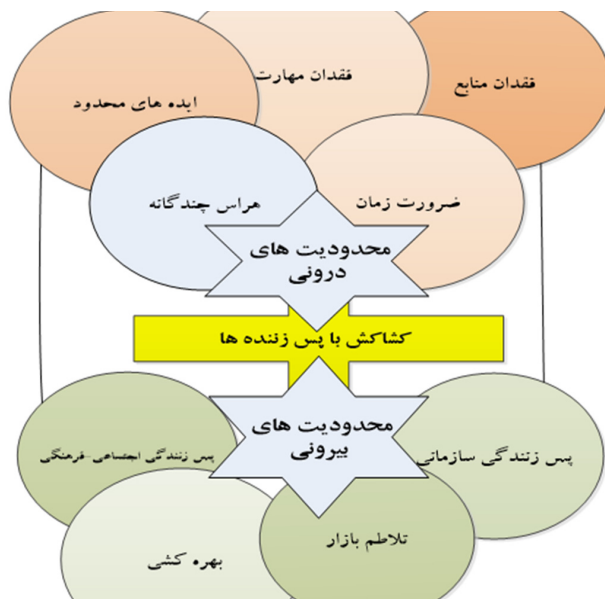
شکل ۱. شبکه مفهومی حصار مشقت‌ها

در خشم خاموش، مددجویان معمولاً خشم خود را به صورت ترشروی، اعتراض، زخم زبان بیان می‌کنند. تم فراگیر خشم، شامل دو تم بنیادی شرم و خشم بوده است. در بسیاری از موارد مددجویان خودشان را غرق شده در مشکلات مالی و عدم توانایی تأمین هزینه‌های زندگی می‌دانند و به صراحت اشاره می‌کنند که کمیته امداد ما را «نجات» داد. نهاد امداد در پیوستاری توانسته است خدمات را به مددجویان ارائه دهد، تفسیر مددجویان از خدمات نهاد امداد را می‌توان ذیل مفهوم «ناجی مقتدر» صورت‌بندی نمود.



شکل ۲. شبکه مفهومی ناجی مقتدر

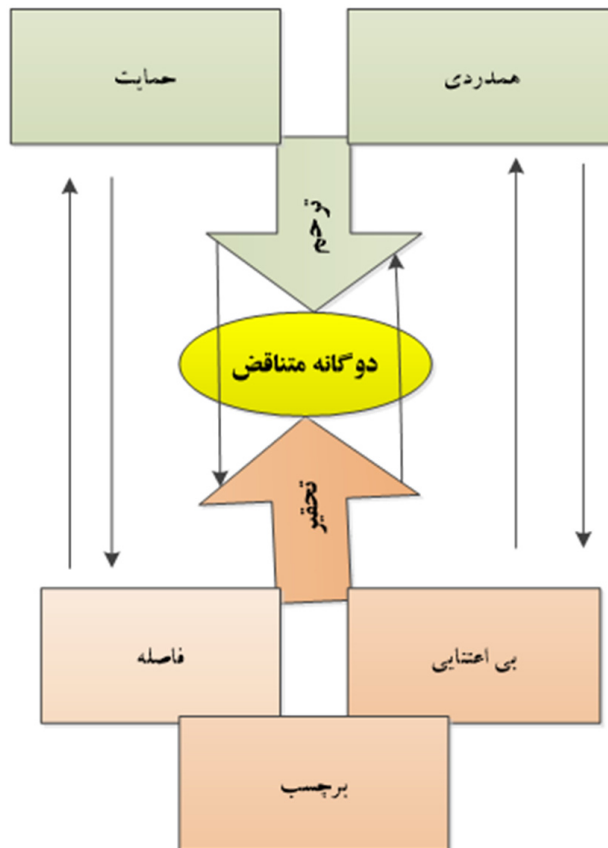
یافته‌های کیفی نشان می‌دهند که کنش اقتصادی مددجویان را تنها بایستی در ارتباط با ساختار و محدودیت‌های درونی و بیرونی تحلیل نمود، محدودیت‌های درونی و بیرونی کنش اقتصادی مددجویان بعد از تحلیل داده‌های تحقیق در قالب مقوله اصلی و مقوله محوری «کشاکش با پس‌زنده‌ها» تحلیل می‌شود.



شکل ۳. شبکه مفهومی کشاکش با پس‌زنده‌ها

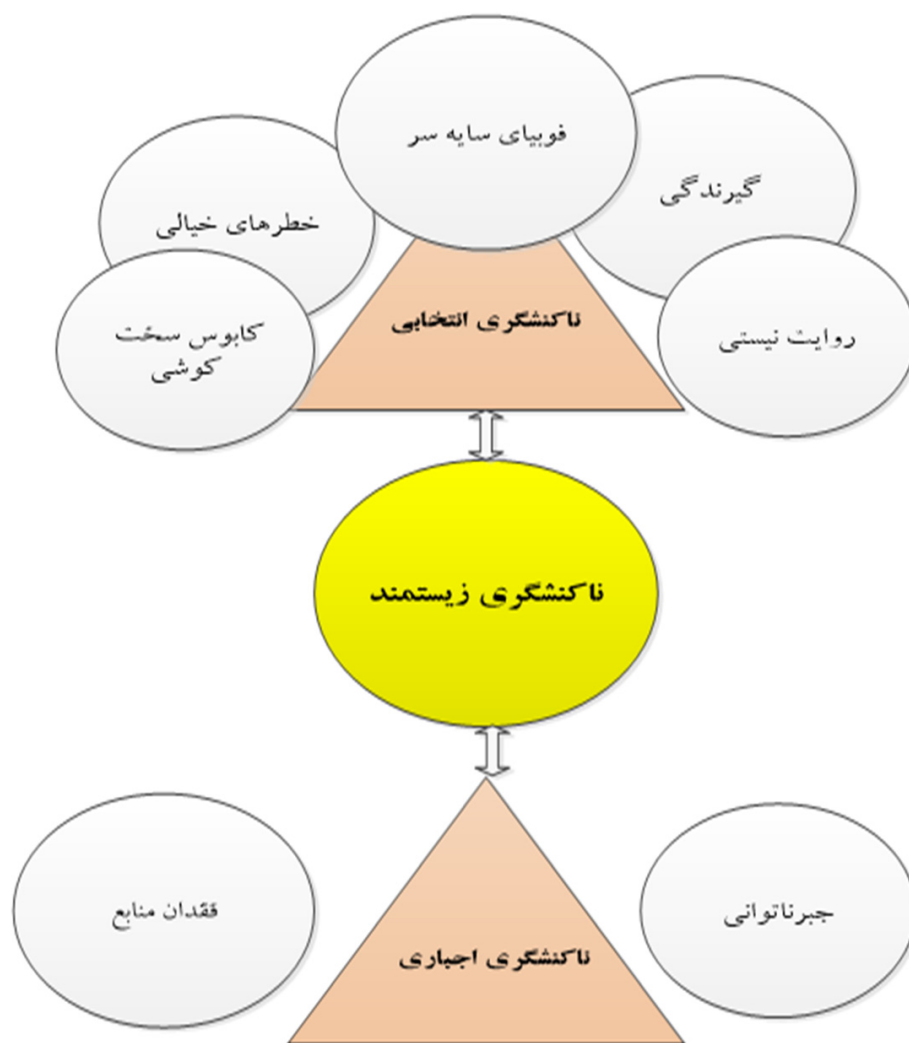
دوگانه متناقض

دوگانه متناقض بیانگر واکنش جامعه به مددجویان است، نگاه جامعه به مددجویان آمیزه‌ای از تناقض‌هاست؛ از همدردی و حمایت تا فاصله گرفتن و برچسب زدن؛ این وضعیت موجب می‌شود تا ضمن شکل‌گیری احساس شرم از «وضعیت مددجویی» شاهد گسترش «خشم خاموش» در بین مددجویان باشیم. تم سازمان دهنده «دوگانه متناقض» با تم‌های فراگیر ترحم و تحقیر مفهوم‌سازی شده است.



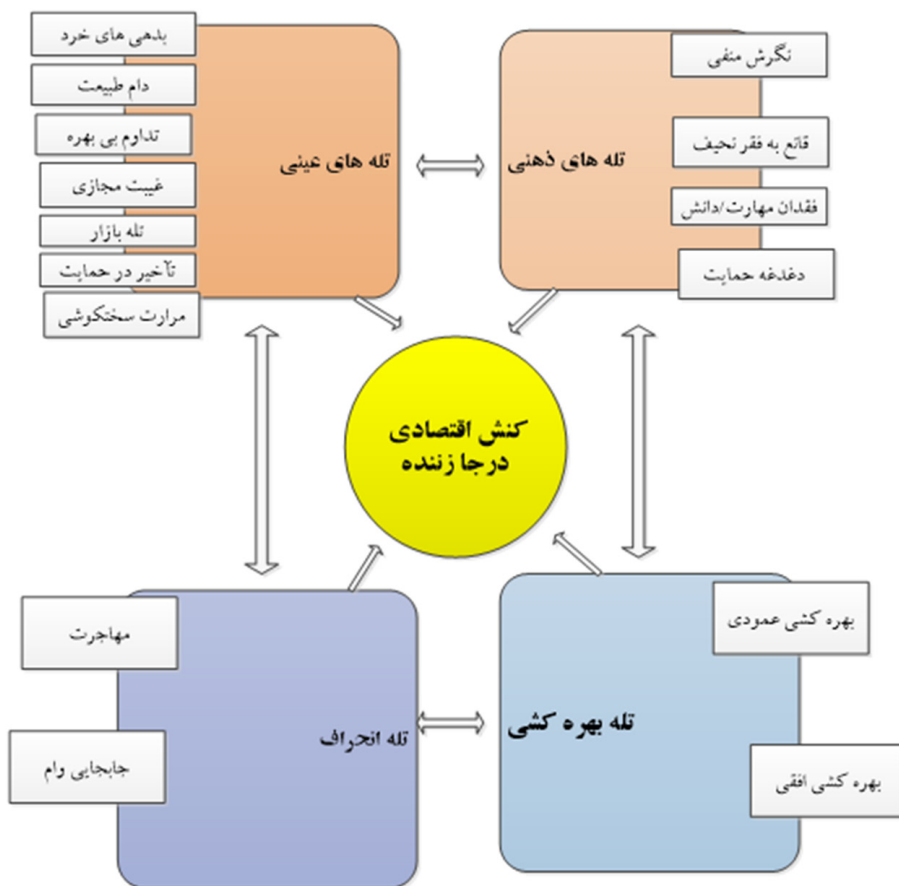
شکل ۴. شبکه مفهومی دوگانه متناقض

شبکه مفهومی «ناکنشگران زیستمند» بیانگر یک سنخ از کنش‌های اقتصادی مددجویان است. کنشگری یعنی تلاش برای تغییر وضعیت موجود، موضوعی که در وضعیت برخی از مددجویان کمیته امداد وجود ندارد.



شکل ۵. شبکه مفهومی ناکنشگران زیستمند

در شبکه مفهومی کنش اقتصادی درجا زننده، علیرغم تکاپوی مددجویان، حمایت کمیته امداد منجر به خودکفایی مددجویان نشده است. این دسته از کنش‌ها به ورشکستگی و عدم تأمین نیازهای خانواده‌های مددجویان منجر شده است.



شکل ۶. شبکه مفهومی کنش اقتصادی درجائزنده

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر تلاش بر آن بوده است تا ابتدا ایده تحقیق (مسئله تحقیق) را با عنایت به تجربه زیسته، شواهد، آمار و متون مرتبط تشریح شود. سپس ضمن مرور ادبیات تجربی و نظری مرتبط با کنش اقتصادی، این مفهوم را در ارتباط با جامعه هدف، یعنی مددجویان نهاد کمیته امداد امام خمینی تشریح نماییم. سپس با استفاده از شواهد کیفی به دست آمده از روش مردم‌نگاری تلاش بر آن بوده است تا ضمن ارائه تفسیری از روایت مددجویان از حمایت‌های نهاد امداد و تفسیر آن‌ها از وضعیت موجود خود، به مثابه کنشگر اقتصادی، به یک سنخ‌شناسی از کنش اقتصادی مددجویان، عوامل و موانع نوسازی کنش اقتصادی و پیامدهای این کنش‌ها از



منظر فقرزدایی پرداخته شده است؛ بنابراین در تحلیل کنش اقتصادی مددجویان بر چهار عنصر تجارب زیسته مددجویان از زیست مددجویی، تفسیر ذهنی از خود و حامی یعنی نهاد امداد، تنگناها و محدودیت‌های کنش اقتصادی و تجارب عینی یعنی اشکال مختلف کنش اقتصادی و پیامدهای آن تمرکز شده است.

در فرایند تحقیق ۸ شبکه مفهومی یا تم سازمان‌دهنده، ۲۳ تم فراگیر و ۸۱ تم بنیادی از بطن مصاحبه‌ها، مشاهدات، یادداشت‌های میدانی و بحث‌های گروهی بر ساخته شد؛ ذیل این شبکه‌های مفهومی بخشی از فهم و تفسیر مددجویان در ارتباط با شرایط و بستر کنش اقتصادی آن‌ها به نمایش گذاشته شد. در بحث یافته‌های تحقیق شرح مفصلی از شبکه‌های مفهومی و تم‌های اصلی ذیل هر کدام از این مفاهیم آورده شده است. این شبکه‌های مفهومی عبارت‌اند از: ۱- در حصار مشقت؛ ۲- ناجی مقتدر، ۳- کشاکش با پس‌زنده‌ها، ۴- دوگانه متناقض؛ ۵- نا کنشگری زیست‌مند؛ ۶- درجا زنده؛ ۷- تأمین‌کننده و ۸- کارآفرین‌ها.

پژوهش حاضر به دنبال فهم دیدگاه مددجویان و تفسیر آن‌ها از مدل‌های کنش اقتصادی خود و تفسیر این موقعیت در ارتباط با خدمات و حمایت‌های ارائه شده از جانب نهاد امداد و شکل‌های ارتباط این مدل‌های کنش با وضعیتی از فقر و رفاه بوده است؛ بنابراین نیاز است تا محقق به ارائه ترکیبی از مفاهیم مرتبط و تم‌های فراگیر شبکه‌های مفهومی و روابط فی‌مابین آن‌ها بپردازد. به این منظور لازم است تا با یک استنتاج قیاسی در همه شبکه‌ها و ذکر قیاس‌ها و نظریه‌های مرتبط در جهت اکتشاف تم‌ها، مفاهیم، الگوها و ساختارهای مهمی که از متن برخاسته‌اند به عمل آورد. سؤالات این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. از معضله هم‌جواری توأمان حمایت‌های و سیاست‌های فقرزدایانه نهاد امداد و کوشندگی مددجویان و عدم خروج مددجویان از چرخه فقر/مددجویی، چه تفسیری می‌توان ارائه داد؟
۲. حمایت‌های اشتغال‌زایی و طرح‌های توانمندسازی، ارائه شده توسط کمیته امداد امام خمینی (ره) از جانب مددجویان چگونه درک و تفسیر می‌شود؟
۳. مواجهه مددجویان با حمایت‌های نهادی و طرح‌های توانمندسازی به عبارتی دیگر تفسیر و ارائه روایتی از مدرن‌سازی شکل‌های کنش اقتصادی-کشاورزی و دام‌پروری و ... به چه صورت است؟

۴. کنش اقتصادی مددجویان متأثر از کدام محدودیت‌های درونی و بیرونی شکل گرفته و در نهایت چه مدلی از کنش اقتصادی-موفق، ناموفق/سنتی، مدرن-در ارتباط با وضعیت خاصی از فقر و رفاه شکل می‌گیرد؟
۵. از پیوند و عدم پیوند حمایت‌های نهادی با «کوشندگی» و «مدرن‌سازی» کنش اقتصادی و پیامدهای این وضعیت برای فقر چه روایتی می‌توان ارائه داد؟
۶. از مدل‌های کنش اقتصادی در بین فقرا/مددجویان و تشریح ویژگی‌های این گونه کنش با هدف تفسیر چرایی عدم خروج فقرا از چرخه شوم فقر چه روایتی می‌توان ارائه داد؟

نیاز است تا هر کدام از سؤالات پژوهشی در قالب یک مدل برساخته شده از شبکه‌های مفهومی اکتشافی در فرایند تحقیق پاسخ داده شود.

پیشنهادات کاربردی تحقیق

۱. یافته‌ها نشان می‌دهند جامعه در واکنش به وضعیت مددجویی مواجهه منطقی ندارد. تم سازمانده «دوگانه متناقض» که دربرگیرنده ترحم و تحقیر است در نهایت نمی‌تواند مددجو را به کنش‌گری اقتصادی تحریک کند. تنها تفاوت در این است که ترحم امری اخلاقی و انسانی و تحقیر یک امر غیراخلاقی است. با عنایت به این یافته پیشنهاد می‌شود در معاونت فرهنگی امداد تلاش شود که این دوگانه متناقض: ترحم و تحقیر به دوگانه همسوی «تکریم و تحریک» مبدل شود؛
۲. پیشنهاد راه‌اندازی «شبکه اجتماعی بازاری امداد» یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که همه مددجویان به مثابه کنشگر اقتصادی به صورت عام و کنشگران اقتصادی درجا زننده و کنشگر اقتصادی تأمین‌کننده در معرض بهره‌کشی‌های افقی در قالب عدم پرداخت حق بیمه، تصاحب دسترنج آن‌ها در قالب خرید محصولات تولیدی آن‌ها به قیمت‌های بسیار پایین‌تر از قیمت‌های متعارف هستند؛ ایده بازیابی امدادی و طراحی «شبکه اجتماعی بازاری امداد» در این خصوص پیشنهاد می‌شود. نباید تصور شود که تولیدات مددجویان اندک است در صورت فروش عادلانه این محصولات هم درآمد مددجویان افزایش یافته و هم انگیزه برای تلاش بیشتر پیدا خواهند کرد و نفس خود این شبکه موجب تبادل اطلاعات و مبادله تولیدات و بازیابی می‌شود؛



۳. طراحی شناسنامه اجتماعی مددجویان به منظور آشنایی با خط سیر زندگی مددجویان ضرورت دارد؛ بنابراین بر اساس این مشخصات باید آن‌ها را در چارچوب و سنخ‌های متمایز تعریف نمود و در نتیجه سیاست‌های اشتغال‌زایی و حمایت‌های خودکفایی مددجویان را به صورت یکپارچه و یکسان تعریف نمود؛ بلکه با عنایت به خط سیر و ویژگی‌های اجتماعی- فردی و نسبت آن‌ها با تم سازمان‌دهنده «حصار مشقت‌ها» که نشان می‌دهد ابعاد آسیب‌پذیری مددجویان چند بعدی است و در نتیجه توانمندی متمایز دارند سیاست‌های خودکفایی طراحی و عملیاتی شوند؛

۴. تبدیل «ناکشگران زیستمند» به «کنشگران تحت حمایت»، حتی اگر میزان درآمد در حداقل ممکن باشد کنشگری و اشتغال بنا به یافته‌های تحقیق می‌تواند موجبات گشودگی جهان اجتماعی و در نتیجه ارتقاء سرمایه اجتماعی، دگرگونی در ایده‌ها، فرسایش روایت نیستی و در نهایت ارتقاء عزت نفس در بین مددجویان شود و گشودگی جهان اجتماعی می‌تواند خالق فرصت‌ها و هادی آن‌ها به سوی فرصت‌های جدید باشد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که ایده پنل خورشیدی در حوزه مورد مطالعه قادر بوده است برخی از ناکشگران زیستمند را به سمت کنش اقتصادی تأمین‌کننده هدایت کند؛

۵. انعطاف‌پذیری و ضرورت محلی‌نگری از ضرورت‌های سیاست‌گذاری اجتماعی در ابعاد مختلف است؛ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که علی‌رغم رضایت مددجویان از روابط سازمانی مددکاران و کارکنان نهاد امداد، از سیاست‌های منولوگی و آمرانه نهاد امداد ابراز نارضایتی نمودند. به عبارت دیگر مددکاران و نهاد امداد در موضوع اشتغال‌زایی بایستی به ایده‌ها، تنگناها و شرایط محلی توجه داشته باشند. نهاد امداد باید از «ناجی مقتدر» به «ناجی همفکر/همدل» تغییر نقش دهد، اشتغال‌زایی مشارکتی می‌تواند در این خصوص راهگشا باشد؛

۶. وابستگی به مسیر در بین مددجویان موجب شده است که مددجویان بر اساس تئوری جامعه‌پذیری در تصویر خود از اشتغال و حرفه تنها به مشاغل سنتی مانند دام‌پروری سنتی، کشاورزی فکر کنند، ضرورت دارد که مددکاران از طریق عملیاتی کردن طرح کارفرمایی و اردوهای کارآفرینی برای دانش‌آموزان، نوجوانان و جوانان مددجو فرصت دسترسی به تجارب نو را برای آن‌ها فراهم

نمایند. البته در این مسیر بایستی از بددل کاری، صورت‌گرایی اجتناب شود؛
۷. یکی از مهم‌ترین موانع ذهنی مددجویان در کنشگری اقتصادی «فویبای حامی» است؛ تقارن دریافت وام‌های اشتغال‌زایی با خطر قطع مستمری و خروج از شمول حمایت‌های نهاد امداد سبب شده است که برخی از مددجویان در برآورد بین خطرات و ریسک‌های در مسیر کارآفرین شدن و حتی خودکفا شدن، اطمینان ناشی از درآمدهای حداقلی اما مطمئن مستمری نهاد امداد را ترجیح می‌دهند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود کمیته امداد مسیری متفاوت را انتخاب نمایند، زیرا «فویبای حامی» مانع از خلاقیت و نوآوری می‌شود که شرط هرگونه استقلال خودکفایی است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود طرح خودکفایی پردکننده از طریق طرح خودکفایی دربرگیرنده/ حمایت‌کننده جایگزین شود؛

۸. خط سیر و روایت زندگی مددجویان و با اتخاذ مدل‌های کنش‌های اقتصادی متفاوت نشان می‌دهد که کنشگران درجا زنده و برخی از ناکنشگران زیست‌مند معمولاً در سنین بالای ۴۵ سال موفق به دریافت وام‌های اشتغال‌زایی شده‌اند. با عنایت به آثار مخرب بر روحیه خلاقیت و کارآفرینی و همچنین زندگی مددجویان پیشنهاد می‌شود، حمایت‌های اشتغال‌زایی در سنین جوانی عملیاتی شود تا از قدرت ریسک و سخت‌کوشی جوانی به‌منظور کارآفرینی بهره‌برداری لازم به عمل آید؛

۹. برای عملیاتی‌شدن ایده خودکفایی دربرگیرنده، پیشنهاد می‌شود که مستمری ماهیانه امداد به خانوارهای تحت پوششی که قادر به تأمین معاش خود هستند تداوم داشته باشد، بدون قطع مستمری ماهیانه، در گام نخست این باور تقویت می‌شود که نهاد امداد چتر حمایتی خود را همچنان بر سر مددجو بازخواهد گذاشت. در نتیجه تمام ظرفیت کارآفرینانه مددجو به بازار به عرصه کسب و کار آورده خواهد شد. در گام بعد می‌توان پس از پایداری و برآورد ضریب پایداری مشاغل و خودکفایی ایجادشده در قالب عناوینی مانند صندوق ذخیره کارآفرینی مددجویان، مالیات و ... بدون آنکه تهدیدی برای مددجوی کارآفرین باشد علاوه بر بازگشت مستمری ماهیانه ایده صندوق کارآفرینی مددجویان را عملیاتی نمود.



پیشنادهای پژوهشی

۱. ارزیابی کمی یافته‌های و مفاهیم برساخته شده در این پژوهش کیفی به منظور برآورد میزان کمی آن‌ها؛
۲. با عنایت به یافته‌ها و نمود تغییرات در بین کنش اقتصادی و پیامد این کنش‌ها در بین مددجویان، مطالعه نسلی و بین نسلی کنش اقتصادی در بین مددجویان پیشنهاد می‌شود؛
۳. بررسی رابطه بین گونه‌های مختلف سرمایه و امکان خروج از تله فقر پیشنهاد می‌شود؛
۴. طراحی و امکان‌سنجی الگوی بازاریابی شبکه‌ای امداد پیشنهاد می‌شود.

فهرست منابع

- ابراهیمی، مهدی (۱۳۹۱) فقر در آمدی، فقر قابلیتی و طرد اجتماعی: روندشناسی تحول مفاهیم فقر و محرومیت، فصلنامه تأمین اجتماعی، ش ۴۵، صص ۳۷-۵۹.
- احمدی، علی محمد و وحید شقاقی شهری (۱۳۸۶) توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، همدان: انتشارات نور علم.
- امانیان، ابوالفضل (۱۳۸۸) عاملیت انسانی و فقر: بررسی ارتباط کنش مؤثر فردی با فقر اقتصادی (مطالعه در تبریز)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته رفاه اجتماعی، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم اجتماعی.
- امید، محمد (۱۳۹۰) مدل توانمندسازی مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) با محوریت اشتغال، مجموعه مقالات برگزیده همایش ملی توانمندسازی، ۵۷-۲۹.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۱) بنیان‌های فکری نظریه جامعه ایرانی، تهران: نشر علم.
- بازگلی، حمید؛ صفری، محمود و ایمانی، محمد تقی (۱۴۰۰) شناسایی و رتبه‌بندی عوامل اثرگذار و اثرپذیر بر توسعه سرمایه فرهنگی در نظام آموزش و پرورش، مدیریت فرهنگی، ش ۵۱، صص ۱-۱۹.
- بساطیان سید محمد (۱۳۹۰) بررسی الگوی خاموش فرهنگ فقر و عوامل مرتبط با آن «مطالعه موردی: شهرستان دلفان استان لرستان. مسائل اجتماعی ایران. ش ۲ صص ۷-۳۲.
- بلیک‌مور، کن (۱۳۸۹) مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری اجتماعی، ترجمه علی اصغر سعیدی و سعید صادقی‌جقه، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- بلیکی، نورمن. (۱۳۸۴)، طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- بنرجی، ابجهیت و استر دوفلو (۱۳۹۶) اقتصاد فقیر، ترجمه جعفر خیرخواهان و مهدی فیضی، تهران: دنیای اقتصاد.
- بورديو، پی‌یر (۱۳۹۴) نظریه کنش، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: انتشارات نقش و نگار و مؤسسه انتشارات فلسفه.

- بورديو، پي‌ير (۱۳۹۳) تمايز: نقد اجتماعي قضاوت‌هاي ذوقي، ترجمه حسين چاوشيان، تهران: ثالث.
- پاتريشا، (۱۳۹۳) فيلد، در مايكل گرنفل: مفاهيم كليدي پيير بورديو، ترجمه محمدمهدى لبيبي، تهران: نشر افكار، صص ۱۴۱-۱۲۷.
- پرستو، كيانش (۱۳۹۵) بررسي موانع توانمندسازي مددجويان تحت حمايت كميته امداد امام خميني (ره) با تاكيد بر طرح‌هاي اشتغال‌زا، مورد مطالعه استان گلستان، پايان‌نامه كارشناسي ارشد رشته مهندسي ترويج کشاورزي، دانشگاه علوم کشاورزي و منابع طبيعي گرگان، دانشكده مديريت.
- پيترز، جان ندروين (۱۳۹۵) نظريه توسعه: فرهنگ، اقتصاد، جامعه، ترجمه انور محمدي، تهران: انتشارات گل آدين.
- جلائي‌پور، حميدرضا و باينگاني، بهمن (۱۳۹۴) مطالعه جامعه‌شناختي پيامدهاي اقتصادي بازار و تجارت مرزي: اتنوگرافي انتقادي بازار مرزي بانه، مطالعات و تحقيقات اجتماعي در ايران، ش ۴، صص ۵۷۳-۵۳۹.
- جوادي يگانه، محمدرضا؛ فاطمي، امين و فولاديان، مجيد (۱۳۸۹) بررسي تطبيقي شاخص تنبلي در ايران و كشورهاي جهان و برخي راه‌حل‌هاي آن، راهبرد فرهنگ، ش ۱۲ و ۱۳، صص ۱۳۴-۱۱۱.
- جوادي يگانه، محمدرضا و فولاديان، مجيد (۱۳۹۱) تنبلي اجتماعي و عوامل مؤثر بر آن، مجله جامعه‌شناسي ايران، ش ۴، صص ۱۳۷-۱۰۹.
- چليبي، مسعود و جنادله، علي (۱۳۸۶) بررسي عوامل فرهنگي مؤثر بر موفقيت اقتصادي: يك مطالعه مقايسه‌اي در بين قوميت‌هاي لر، عرب و دزفولي استان خوزستان، پژوهشنامه علوم انساني، ش ۵۳، صص ۱۱۷-۱۵۴.
- چمبرز، رابرت (۱۳۹۶) توسعه روستايي: اولويت‌بخشي به فقرا، ترجمه مصطفي ازكيا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خالقي فر، مجيد؛ قاسمي، وحيد؛ همتي، رضا و فرهمند، شكوفه (۱۳۹۴) بررسي جامعه‌شناختي هزينه مبادله و تأثير آن بر روي كنش اقتصادي كارآفرينان (مورد مطالعه: كارآفرينان استان همدان)، فصلنامه راهبرد، ش ۷۵، صص ۱۹۱-۲۱۷.
- ديانت، اسماء (۱۳۹۹) عوامل مؤثر بر توانمندسازي يافندگان فرش دستبافت تحت پوشش كميته امداد تبريز، رساله كارشناسي ارشد رشته مديريت فرش، دانشگاه هنر اسلامي تبريز، دانشكده فرش.
- راغفر، حسين (۱۳۸۴) فقر و ساختار قدرت در ايران، فصلنامه رفاه اجتماعي، ش ۱۴، صص ۲۸۸-۲۴۹.
- رضافلي، علي (۱۳۹۸) اگر نورث ايراني بود: شرحي بر تاريخ، اقتصاد و ادبيات جامعه ايران، نشر نهاد گرا. زاهدي، محمدجواد (۱۳۹۰) توسعه و نابرابري، تهران: انتشارات مازيار.
- سوند برگ، ريچارد و گراناوتر، مارك (۱۳۹۵) جامعه‌شناسي اقتصادي: ساخت اجتماعي و كنش اقتصادي، ترجمه علي اصغر سعدي، تهران: انتشارات تيسا.
- شارع‌پور، محمود و خوشفر، غلامرضا (۱۳۸۱) رابطه سرمايه فرهنگي با هويت اجتماعي جوانان مطالعه موردی شهر تهران، نامه علوم اجتماعي، ش ۲۰، صص ۱۴۷-۱۳۳.



شارع‌پور، محمود (۱۳۸۳) ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن، بررسی مسائلی اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: نشر آگه، چاپ اول.

شرافت، سجادا؛ ازکیا، مصطفی؛ وثوقی، منصور، میرزایی، سید محمد (۱۳۹۷) فهم تجربه زیسته طرد اجتماعی در بین فقرای روستایی استان ایلام: رویکردی کیفی، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال چهارم، ش ۱۶، صص ۳۹-۱.

شکور، علی؛ شمس‌الدینی، علی و جوادی حقیقی، اسماعیل (۱۳۹۵) سنجش عملکرد کمیته امداد در فقرزدایی از مناطق روستایی با تأکید بر پارامترهای توسعه (مورد مطالعه: شهرستان شیراز)، مطالعات محیطی هفت حصار، ش ۱۷، صص ۷۲-۶۳.

شکور، علی؛ شمس‌الدینی، علی و جوادی حقیقی، سید اسماعیل (۱۳۹۵) سنجش عملکرد کمیته امداد در فقرزدایی از مناطق روستایی با تأکید بر پارامترهای توسعه (مورد مطالعه: شهرستان شیراز)، مطالعات محیطی هفت حصار، ش ۱۷، صص ۶۲-۷۳.

شکور، علی؛ شمس‌الدینی، علی و جوادی حقیقی، سید اسماعیل (۱۳۹۵) سنجش عملکرد کمیته امداد در فقرزدایی از مناطق روستایی با تأکید بر پارامترهای توسعه (مورد مطالعه: شهرستان شیراز)، مطالعات محیطی هفت حصار، ش ۱۷، صص ۶۲-۷۳.

شویره، کریستیان؛ فونتن، اولیویه؛ زرده زان، پی‌یر. (۱۳۸۵) واژگان بوردیو، ترجمه: مرتضی کتبی. تهران: نشر نی. چاپ اول.

صدیقی کسمایی، مینو (۱۳۹۷) مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های اقتصاد نئوکلاسیک، اقتصاد نهادگرا، و جامعه‌شناسی اقتصادی، اقتصاد تطبیقی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. ش ۱، صص ۹۰-۷۱.

طالب، مهدی و پیری، صدیقه (۱۳۹۴) تبیین ساختار اجتماعی فقر از منظر فقرای روستایی و گونه‌شناسی آن: مورد مطالعه: روستای گنبد پیرمحمد از توابع شهرستان ملکشاهی استان ایلام، بررسی مسائلی اجتماعی ایران، ش ۲، صص ۲۴۲-۲۱۹.

طهماسبی بلوک‌آباد، رضا (۱۳۹۵) ارزیابی عملکرد مراکز استانی کمیته امداد امام خمینی (ره) با تأکید بر خوداتکایی مددجویان- رویکرد DEA، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت و معارف اسلامی گرایش صنعتی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت.

علی‌نژاد، منوچهر و نصرتی، روح‌الله (۱۳۹۶) حکم‌شدگی کنش اقتصادی مطالعه الگوی کنش اقتصادی دریانی‌های آذری زبان، مطالعات جامعه‌شناختی، ش ۱، صص ۴۵۸-۴۳۵.

علی‌نژاد، منوچهر (۱۳۹۲) تحلیل جامعه‌شناختی کنش‌های اقتصادی آذری زبان‌ها با تأکید بر دلایل موفقیت دریانی‌ها در سوپرمارکت‌ها و فروشگاه‌های زنجیره‌ای، رساله دکتری، دانشگاه تهران.

عنبری، موسی (۱۳۹۶) جامعه‌شناسی توسعه از اقتصاد تا فرهنگ، تهران: سمت.

غفاری، غلامرضا و امید، رضا (۱۳۹۰)، گذار از دستگاه مفهومی فقر به سازه رانده‌شدگی اجتماعی، فصلنامه اطلاعات سیاسی- اقتصادی، ش ۲۸۵، صص ۲۳۷-۲۲۲.

فراست‌خواه، مقصود (۱۳۹۵) روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه بر پایه گراندد تئوری (GTM) تهران: آگاه.

فرهادی، مرتضی (۱۳۹۷) صنعت بر فراز سنت یا در برابر آن، انسان‌شناسی توسعه‌نیافتگی، و واگیره پیشرفت پایدار و همه‌سویه فرادادی و فتوتی در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی. جلد ۱.

فلیک، اووه (۱۳۹۱) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه: هادی خلیلی، تهران: نشر نی.

فیروزآبادی، احمد و صادقی، علیرضا (۱۳۸۹). وضعیت طرد اجتماعی زنان فقیر روستایی، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ش ۱، صص ۱۷۴-۱۴۳.

فیلد، جان (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی، جلال متقی، تهران: مؤسسه عالی آموزش و تأمین اجتماعی.

قاسمی، یارمحمد و (۱۳۹۳) بررسی رابطه سرمایه فرهنگی و سرمای هی نمادین فرهنگی: مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه دولتی ایلام، فرهنگ ایلام، ش ۴۵ و ۴۴، صص ۲۱-۷.

قدوسی، ح. (۱۳۸۴). رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی از منظر نهاد گرایی. مجموعه مقاله‌های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

قدیمی دیرج، خلیل (۱۳۷۹) بررسی فعالیت‌های اقتصادی کمیته امداد امام خمینی (ره) بر روی برخی متغیرهای کلان اقتصاد کشور، رساله کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.

قدیمی دیرج، خلیل (۱۳۷۹) بررسی فعالیت‌های اقتصادی کمیته امداد امام خمینی (ره) بر روی برخی متغیرهای کلان اقتصاد کشور، رساله کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.

قدیمی دیرج، خلیل (۱۳۷۹) بررسی فعالیت‌های اقتصادی کمیته امداد امام خمینی (ره) بر روی برخی متغیرهای کلان اقتصاد کشور، رساله کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.

کراسلی، نیک (۱۳۹۳) طبقه اجتماعی، در مایکل گرنفل: مفاهیم کلیدی پییر بوردیو، ترجمه محمد مهدی لیبی، تهران: نشر افکار: صص ۱۶۸-۱۵۱.

کشاورزی شکری، عباس و آذر گنشب، عاطفه (۱۳۹۵) نقادی و بازسازی نظریه سارا لانگه درباره شاخص‌های توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، دو فصلنامه علمی و پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، ش ۱۶، صص ۵-۳۵.

کلدی، علیرضا. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و خانواده، مجموعه مقالات نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.

گیدنز، آنتونی و کارن بردسال (۱۳۸۹) جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.



محترم، سمیه (۱۳۹۵) بررسی عوامل مؤثر بر موفقیت مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) در طرح‌های اشتغال‌زا استان گلستان، رساله کارشناسی ارشد، رشته دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، دانشکده مدیریت کشاورزی.

محمدپور، احمد (۱۳۹۲) روش تحقیق کیفی ضد روش ۱، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

محمد، امید (۱۳۹۰) مدل توانمندسازی مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) با محوریت اشتغال، همایش ملی توانمندسازی با رویکرد جهاد اقتصادی در کمیته امداد امام خمینی (ره).

محمدی تلوار، ستار؛ بنی‌فاطمه و نوذری، حمزه (۱۳۹۵) بررسی جامعه‌شناختی تداوم نسلی بنگاه‌های اقتصادی خانوادگی در ایران: مطالعه موردی بنگاه‌های اقتصادی کوچک متوسط شهر تهران، پژوهشنامه توسعه فرهنگی و اجتماعی، ش ۳، صص ۸۴-۷۰.

محمدی، محمدعلی؛ ودادحیر، ابوعلی؛ سیفی، علیرضا و مشتاق، روشنگر (۱۳۹۱) فراتحلیل مطالعات فقر در ایران، رفاه اجتماعی، ش ۴۵، صص ۴۸-۷.

محمودی، وحید و صمیمی‌فر، قاسم (۱۳۸۴) فقر قابلیت، فصلنامه رفاه اجتماعی، ش ۱۷، صص ۳۵۰-۳۲۷.

مشونیس، جان (۱۳۹۵) مسائل اجتماعی، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ج ۱.

موسوی ترکمانی، سید ستار (۱۳۹۵) بررسی علل رسوب مددجویان تحت حمایت بیش از ۱۰ سال کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان میانه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه پیام نور استان تهران، مرکز پیام نور تهران غرب.

موسوی، میرطاهر و علی‌پور، پروین (۱۳۹۱) تأملی بر نظریه سرمایه اجتماعی در جامعه‌شناسی، تهران: جامعه‌شناسان.

موگهی، عبدالرحیم (۱۳۸۲) بررسی تأثیر اشکال متفاوت سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر خشونت علیه همسران در خانواده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه: تهران.

مؤمنی، فرشاد (۱۳۹۶) عدالت، اجتماعی، آزادی توسعه در ایران امروز، تهران: نقش و نگار.

می‌تن، کارل (۱۳۹۳) هابیتوس، در مایکل گرنفل: مفاهیم کلیدی پیسر بوردیو، ترجمه محمدمهدی لیبیی، تهران: نشر افکار: صص ۱۲۵-۱۰۳.

میرزایی، رقیه (۱۳۹۲) بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر میزان توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر تبریز، رساله کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی.

میرزایی، رقیه (۱۳۹۲) بررسی عوامل اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر میزان توانمندسازی زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهر تبریز، رساله کارشناسی ارشد رشته پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز: دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

- نیازی، محسن و کارکنان، محمد (۱۳۸۶) تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان، فصلنامه مطالعات ملی، ش ۳، صص ۸۱-۵۵.
- وبر، ماکس (۱۳۷۴) اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه‌داری، مترجم عبدالمعبود انصاری، تهران: سمت.
- ویلیس، کتی (۱۳۹۳) نظریه‌ها تجربه‌های توسعه، ترجمه حسین ایمانی جاجرمی و پیمان‌پور حبیب، تهران: نشر پژوهش‌واک.
- هال، آنتونی و میجلی، جیمز (۱۳۸۸) سیاست اجتماعی و توسعه، ترجمه مهدی ابراهیمی و علیرضا صادقی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- هسه‌بابیر، شارلن نگی (۱۳۹۵) روش تحقیق آمیخته (به هم پیوستن نظریه با عمل)، ترجمه مقصود فراس‌خواه و زینب ترکمان، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- یونس، محمد (۱۳۹۹) جهانی با سه صفر، ترجمه مهدی قربانی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

References

- Abbott, Marissa and Reilly, Aaron (2019) The Role of Social Capital in Supporting Economic Mobility, Office of the Assistant Secretary for Planning and Evaluation U.S. Department of Health and Human Services Office of Human Services Policy.
- Abrams, D, Christian, J. & Gordon, D (2007). Multidisciplinary hand book of social exclusion research, John Wiley and Sons Ltd, The Atrium, Southern Gate Chichester, West Sussex PO19 8SQ, England. /Book.
- Aguilar, Gisela Robles & Smner, Andy (2020) Who are the world's poor? A new profile of global multidimensional poverty, World Development, v126, PP <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2019.104716>
- Bastelaer, Thierry van (2001) Imperfect Information, Social Capital and the Poor's Access to Credi, <http://www.iris.umd.edu>.
- Bourdieu. Pierre. (1986), the form of capital, in Richardson, Hand book of theory and research for sociology of education., Green wood press, Westport, CT.
- Bourdieu, Pierre (1997). The Forms of Capital. In A.H. Halsey (Ed.), Education: Culture, Economy and Society (pp. 241-258). Oxford: Oxford University Press.
- Bourdieu, P. & Passeron, J. C. (1977). Rerproduction in education, society.
- Bourdieu, p. (1989), ladistingtion (critique social dujudment), les edition.
- Bourdieu, Pier (1986) The Form of Capital, in J Richardson(ed):Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education New York, Green Wood.
- David, Paul A (1994) Why are institutions the 'carriers of history'? Path dependence and the evolution of conventions, organizations and institutions, Structural Change and Economic Dynamics, Volume 5, Issue 2, December 1994, Pages 205-220.
- Demetry, Daphne; Thurk, Jessica and Alan Fine, Gary (2013)Strategic poverty: How social and cultural capital shapes low income life, Journal of Consumer Culture, vol 15, pp 86-109.
- Fukuyama, Francis(1999) Social Capital and Civil Society, IMF Conference on Second Generation Reforms, The Institute of Public Policy ,George Mason University.
- Grube, Laura E and Henry Storr, Virgil (2015) Culture and Economic Action, Printed and bound in Great Britain: Edward Elgar Publishing.



- Habibov, N., & Afandi, E. (2017). Community-level social capital and household strategies for coping with global crisis in transitional countries. *Social Indicators Research*, 130 (2), 687–710.
- Huang, Xiaowei (2019) Understanding Bourdieu - Cultural Capital and Habitus, *Review of European Studie*, No 11, PP 45-49.
- Hultqvist, Elisabeth & Lidegran, Ida (2021). The use of 'cultural capital' in sociology of education in Sweden, *International Studies in Sociology of Education* 2021, Vol. 30, No. 3, 349-356. <https://doi.org/10.1080/09620214.2020.1785322>.
- Jean Walker Gloria (2014). A Qualitative Study of How Cultural Capital Affects Low-Income Undergraduate Students Decisions to Participate in Highly Ranked Research Institutions in the State of Texas. *To The School of Education In partial fulfillment of the requirements for the degree of Doctor of Education in the field of Education*, University Boston, Massachusetts.
- Jens Beckert (2003) Economic Sociology and Embeddedness: How Shall We Conceptualize Economic Action?, *Journal of Economic Issues*, 37: 3, 769-787, DOI: 10.1080/00213624.2003.11506613 .
- Kloosterman, Robert (2004) Mixed Embeddedness as a Conceptual Framework for Exploring Immigrant Entrepreneurship. See discussions, stats, and author profiles for this publication at: <https://www.researchgate.net/publication/228544072>.
- Kloosterman, R., Van Der Leun, J., & Rath, J. (1999). Mixed embeddedness: (in) formal economic activities and immigrant businesses in the Netherlands. *International journal of urban and regional research*, 23 (2), 252-266. <https://doi.org/10.1111/1468-2427.00194>
- M.A, Adi Syahid; J. Faathirahband and bin Tuan Tuan Sembok, Muhammad Zukri (2021), Social Capital in Poverty Reduction: A Systematic Literature Review, *Turkish Journal of Computer and Mathematics Education*, Vol. 12 No. 2, pp 665-676.
- Murchison, Julian (2010) *Ethnography essentials :designing conducting and presenting your research* methd. U. S: Jossey-Bass.
- pham quang, Anh thu & Mukhopadhaya, Pundarik (2022) Multidimensionl Poverty and The Role of Social Capital in Poverty Alleviation Among Ethnic Groups in Rural Vietnam: A Multilevel Analysis, *Social Indicators Research*, Vol159, PP281-317. DOI: 10.1007/s11205-021-02747-y
- Quang Pham, Anh Thu and Mukhopadhaya, Pundarik (2022) Multidimensional Poverty and The Role of Social Capital in Poverty Alleviation Among Ethnic Groups in Rural Vietnam: A Multilevel Analysis, *Social Indicators Research*, vol 159, pages 281–317. <https://doi.org/10.1007/s11205-021-02747-y>.
- Savchenko, Andrew (2014) *Economic Systems: Comparative Historical Method in Economic Sociology In: Concise Encyclopedia of Comparative Sociology*, Edit by Masamichi Sasaki, Jack Goldstone, Ekkart Zimmermann, and Stephen K. Sanderson. Publisher: Brill Pages: 136-143. [doi. org/10.1163/9789004266179_014](https://doi.org/10.1163/9789004266179_014)
- Solano ,Giacomo; Schutjens, Veronique and Rath, Jan (2022) Multifocality and opportunity structure: towards a mixed embeddedness model for transnational migrant entrepreneurship, *Comp Migr Stud* 10 (1): 3. doi: 10.1186/s40878-021-00270-0. Epub 2022 Jan 10.
- Vassenden, Anders& Jonvik, Merete (2019) Cultural Capital as a Hidden Asset: Culture, Egalitarianism and Inter-Class Social Social Encounters in Stavanger, Norway. *Cultural Sociology*. Vol. 13 (1). pp37–56. DOI: 10.1177/1749975518782244.
- WAHLBECK, ÖSTEN (2013) Mixed Embeddedness and the Dynamics of Self Employment among Turkish Immigrants in Finland, *Polish Sociological Review*, No. 184, pp487-503.
- Zafirovski, Milan (1999) Probing into the social layers of entrepreneurship: outlines of the sociology of enterprise. *Entrepreneurship & Regional Development*, vol. 11, N4, PP 351-371.
- Zhu, Huasheng; Feng, Junwei & Pan, Fenghua (2019) Mixed embeddedness and entrepreneurial activities of rural migrants in the host region: The case of Yuhuan City, China, *Journal of Urban Affairs*, vol 41, no3, pp390-404.

